

کتابهای تازه

ایران در راه عصر جدید



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۸۱

۹۸

به‌ویژه در زیرنوشت‌ها و ضمام، در مجموعه تاریخ ایران کمبریج منتشر ساخته، لیکن مؤلف، متن اصلی را به صورت کتابی مستقل به طبع رسانده که همین کتاب حاضر است. کتاب هرچند فاقد تبویب واضح است، اما از عناوین فهرست مطالب آن برمی‌آید که ساختار تحقیق به دو بخش اصلی تقسیم شده است: ۱- ایران در دوران قبل از صفویه، ۲- ایران در دوران صفویه.

پیش از آغاز مباحث اصلی، مقدمه‌ای به عنوان «زمینه تاریخی» موضوع، ارائه شده که در آن به مرور «سیر تاریخی ایران پس از اسلام تا انقلاب اسلامی» (بسیار گذرا و فشرده) پرداخته شده تا اهمیت و تاثیر دوره صفوی بر روزگار بعدی نشان داده شود. چنانکه رسمیت مذهب تشیع در دوره صفوی از یک سو و بروز انقلاب اسلامی به عنوان «اولین حکومتی که بر بنیاد نظریه حکومت شیعه اثنی‌عشری استوار است»، از سوی دیگر مرتبط با یکدیگر دانسته می‌شود.

بخش اول کتاب که به گزارش، تحلیل و ارزیابی رویدادها و روند تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ایران در دوران قبل از صفویه می‌پردازد، مشتمل بر پنج فصل است: در فصل اول دولت‌هایی که از زوال ایلخانان پدید آمدند به عنوان «میراث دولت ایلخانی ایران» بررسی می‌شوند که عبارت‌اند از: جلاپریان، آل اینجو، مظفریان، سربداران و رقبای‌شان. نویسندگان در این فصل می‌کوشد نشان دهد سربداران، یک نهضت اجتماعی مترقی بوده‌اند و یا یک حکومت بدون پادشاه؟

فصل دوم، بخش نخست درباره تیمور و روزگار او است. مطالب این فصل، به ترتیب از این قرار است: منشأ و ابتدای کار تیمور، لشکرکشی پیروزمندانه تیمور به خاور نزدیک، تصرف مشرق ایران، انگیزه‌ها و شیوه‌های تیمور، رابطه تیمور با اردوی زرین، اشغال مرکز و غرب ایران، زوال آل مظفر، اوج قدرت تیمور، سلطان احمد جلاپری و مقاومت در برابر تیمور، شکست اردوی زرین، لشکرکشی تیمور به هند،

کتاب حاضر، تحقیقی است از ایران‌شناس مشهور آلمانی، هانس روبرت رویمر (فوت ۱۹۹۷) که دوره‌ای طولانی، از زوال ایلخانان تا پایان سلسله صفویان را شامل می‌شود. دوره‌ای که به زعم وی اساس شکل‌گیری ایران کنونی را تشکیل می‌دهد، یعنی دوره‌ای که منتج به تاسیس و قوام گرفتن دولت صفویان با ویژگی‌هایی شد که تحولات و روند بعدی تاریخ ایران به‌ویژه رسمیت مذهب تشیع را کاملاً تحت‌تاثیر قرار داد.

رویمر، از متقدمان و متخصصان تاریخ تیموریان و صفویان به‌شمار می‌آید. او با احاطه کامل به منابع و تحقیقات جدیدی که طی قرن گذشته به زبان‌های مختلف نوشته شده، انبوهی اطلاعات مفید، آرای متقن و تحلیل‌هایی دقیق ارائه داده و در کنار آن، تحقیقات دیگر را نیز به دقت نقد و بررسی کرده است. یکی از ویژگی‌های تحقیق مؤلف آن است که شرایط و مقتضیات هر دوره را به خصوص از لحاظ تأثیری که بر دوران بعدی برجای گذاشته است، نشان می‌دهد. این شیوه در محث تاریخ صفویان به دلیل شناساندن شرایط ایران به هنگام ورود به دوران جدید و نیز به سبب این که ارکان تاریخ جدید ایران در عهد صفویان بنیاد نهاده شد، بسیار سودمند است.

مزیت دیگر کتاب، فهرست مفصل منابع و تالیفات آن است که به لحاظ اشمال بر کلیه منابع و تحقیقات جدیدی که به اکثر زبان‌های اروپایی و شرقی است، درواقع مرجعی برای تحقیق در ادوار مورد بحث محسوب می‌شود.

مؤلف تحقیق حاضر را با هدف نشان دادن «اساس شکل‌گیری ایران کنونی»، در آغاز به درخواست ناشر «تاریخ ایران کمبریج» به جهت تألیف «تاریخ سیاسی ایران از زوال ایلخانان تا اواسط قرن هجدهم»، به رشته تحریر درآورده است. ظاهراً ناشر به دلیل رعایت وحدت در چگونگی نگارش کل اثر، متن را با تلخیص و تصرفات و تغییرات زیادی،

○ ایران در راه عصر جدید، تاریخ
ایران از ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰
○ تألیف: هانس روبرت رویمر
○ ترجمه: آذر آهنچی
○ ناشر: دانشگاه تهران، تهران،
چاپ اول، اسفند ۱۳۸۰، ۶۰۶ ص،
۳۰۰۰ ص

لشکرکشی تیمور به سوریه و آسیای صغیر، حرکت به سوی چین: بیماری و فوت، شخصیت تیمور.

بی‌گیری حوادث و بررسی اوضاع ایران در روزگار جانشینان تیمور موضوع فصل سوم بخش اول کتاب است که از این مباحث تشکیل یافته: اغتشاشات بعد از درگذشت تیمور، مبارزه شاهرخ با قراقویونلو و رقبا، دیگر، ثبات عهد شاهرخ و عوامل و نتایج آن، فروپاشی وحدت دولت تیموری بعد از درگذشت شاهرخ، الغ بیگ و تلاش او برای حفظ سنن مغولی، هنر و علم در سمرقند دوران جانشینان تیمور، تصرف مرکز و جنوب ایران توسط جهانشاه قراقویونلو، تلاش ابوسعید تیموری برای استقرار مجدد حکومت، جنگ تیموریان ماوراءالنهر با ازبکان، درخشش و زوال سلطان حسین بایقرا در هرات، زوال و سقوط تیموریان.

مؤلف در بخش اول فصل چهارم، به تحلیل و ارزیابی اهمیت و نقش شاخص‌های تاریخی تیموریان از چند جنبه: نظام و ساختار حکومتی، اوضاع اقتصادی، جنبش‌های مذهبی و خدمات فرهنگی پرداخته است.

آخرین فصل بخش اول، بررسی کوتاهی است درباره دو سلسله ترکمان آق‌قویونلو و قره‌قویونلو که از این مباحث تشکیل یافته است:

منشأ قومی قراقویونلو و آق‌قویونلو، پیشینه تاریخی دو اتحادیه، نخستین تلاش‌های سیاسی آق‌قویونلو، سیاست متفاوت ترکمانان در برابر تیمور و جانشینانش، تفوق قراقویونلو در عهد جهانشاه، امارت آق‌قویونلو، آق‌قویونلو در عهد اوزون حسن، دوران شکوفایی ترکمانان در عهد آق‌قویونلو، زوال و سقوط دولت آق‌قویونلو.

در اینجا چکیده‌ای از ویژگی‌های شاخصی که مؤلف برای دوران قبل از صفویه برمی‌شمارد، ذکر می‌گردد تا دیدگاه و برداشت کلی وی در طرح مباحث کتاب روشن‌تر گردد: «ایران با فرمانروایی ایلخانان و به طور کامل بعد از زوال آنان در مسیری قرار گرفت که مبدأ دوران جدید ایران است. فقهای سنی که پیش از این کلام‌شان تا دوردست‌ترین نقاط مملکت نافذ بود، اکنون به سبب کاهش قدرت و نفوذ کلام ناگزیر بودند کمابیش با ناتوانی شاهد تکوین و بسط اسلام عامه باشند، که با دیدگاهی متفاوت از جهان‌بینی فقهای سنی سرزمین ایران را برای گرایش‌های شیعی آماده ساخته بود.

یک عامل مهم در رشد و قوت این جریان، افراد قبایل ترکمن بودند، که البته این بار مثل چند صد سال پیش از سمت شرق هجوم نیاوردند، بلکه متشکل از قبایل و گروه‌های قبیله‌ای از آسیای صغیر و سوریه مجدداً به سوی شرق سرازیر شدند. در اغلب اوقات رهبران طریقت صفوی، آنان را فرامی‌خواندند و ترکمانان تحت قیادت رهبران مزبور ابتدا در راه مقاصد صوفیانه، یا به ظاهر صوفیانه، مجاهدت می‌کردند، اما بعدها رهبران طریقت آنان را جهت پیشبرد مقاصد دینی و سیاسی خود مورد استفاده قرار دادند.

مرحله جدید تحول که ضمن آن خودآگاهی قومی ایرانی بروز کرد، با کوشش شیوخ صفویه برای غلبه بر تضاد بین ایرانیان و ترکمانان، ارتباط نزدیک داشت... اسماعیل که یکی از اقباق دو طایفه دهقان ایرانی (یا به روایتی دیگر

کردی) و اوزون حسن ترکمان بود، توانست هم بر اسلاف ایرانی و هم ترکمان خود استناد کند و بعد از جلوس بر تخت سلطنت با حقانیت بیشتری در مقایسه با اوزون حسن که قبلاً خود را پادشاه ایران نامیده بود، خود را فرمانروای ایران بخواند. با این وجود منازعه بین عناصر دو قوم (ایرانی و ترکمان) به هیچ‌وجه برطرف نشد، و نه تنها بر حکومت وی تاثیر نامطلوب برجای گذاشت بلکه مدت یک قرن مشکل اساسی دولتی بود که وی بنیان نهاده بود.

شاه اسماعیل این دولت را با ایدئولوژی مذهبی جدید سخت پیوند داد، یعنی شکل مخصوصی از شیعه را رواج داد که فقط استثنائاً ایرانیان می‌شناختند و برای اکثر مسلمانان تا آن زمان ناشناخته بود. اساس تشیع ایرانی، تغییر بطئی تسنن به اسلام عامه و پیدایش اولین نهضت‌های شیعی که نهایتاً اساس عقاید مذهبی اسماعیل را تشکیل می‌دادند، مبحث دیگری از پیدایش خودآگاهی قومی جدید ایرانی است و حادثه‌های مهم برای دوره جدید تاریخ ایران محسوب می‌شود. هسته اصلی دولت صفوی تنها حکومت ترکمانان نبود که اسماعیل غصب کرد، بلکه پیروان طریقت اردبیل نیز بودند، او به عنوان رهبر طریقت با ورود به سیاست، خود را رئیس یک حکومت دینی اسلامی خواند. اقباق وی نیز از دعوی قداست و معصومیت صرف‌نظر نکردند.

تاریخ یک طریقت صوفی موفق و توجه آن به سیاست، موفقیت‌ها و شکست‌ها در مبارزه برای زندگی مشترک ایرانیان و ترکان که با شعار شیعه آغاز شده بود، مهم‌ترین مشخصات ویژه تاریخ ایران در دوران قبل از صفویه است. این همه، تحولات و حوادثی بود که در ارتباط با جنگ‌های مغولان - ترکان بر سر جانشینی در اولین دهه‌های بعد از ایلخانان و در اثنای پیدایش، ترقی و زوال دولت‌های ترکمن و نیز در جریان حوادث فاجعه‌آمیز هجوم و لشکرکشی‌های تیمور روی داد، و بی‌شک با فعالیت‌های درخشان فرهنگی که اقباق مغولان، امرای ترکمان و جانشینان تیمور مشوق آن بودند، نیز ارتباط داشت».

بخش دوم طی هفت فصل، دوران صفویه را مورد توجه قرار می‌دهد. فصل اول درباره تاسیس دولت صفوی و اقدامات شاه اسماعیل در دوران حیات و سلطنتش و به طور کلی بازبینی فرآیند انتقال طریقت به سلطنت در شخصیت و عملکرد شاه اسماعیل است. این فصل از مباحث زیر تشکیل شده است: دولت دینی شاه اسماعیل، طریقت شیخ صفی براساس اسلام عامه، شاه اسماعیل اول و شیعه، صفویه و ترکمانان: آغاز کار قزلباش در عهد شیخ جنید، استمرار ترکمانان در اداره دولت دینی، فتح جنوب و شرق ایران، خطر از جانب شرق از سوی ازبکان، آغاز رقابت صفوی - عثمانی: جنگ چالدران، سیاست دو پهلو شاه اسماعیل با ایرانیان و ترکمانان، ویژگی نخستین دولت صفوی.

بخش دوم از فصل دوم به دوران سلطنت شاه تهماسب اول می‌پردازد و شامل این مطالب است: حکومت امرا و استیلای وی، جنگ داخلی در مناطق ایران، هجوم ازبکان از شرق، تهاجم عثمانی از غرب، عملیات در مناطق مرزی، نشانه‌های بحران و شخصیت شاه تهماسب.

یکی از ویژگی‌های تحقیق مؤلف آن است که شرایط و مقتضیات هر دوره را به خصوص از لحاظ تأثیری که بر دوران بعدی برجای گذاشته است، نشان می‌دهد

مزیت دیگر کتاب، فهرست مفصل منابع و تالیفات آن است که به لحاظ اشتغال بر کلیه منابع و تحقیقات جدیدی که به اکثر زبان‌های اروپایی و شرقی است،

درواقع مرجعی برای تحقیق در ادوار مورد بحث محسوب می‌شود

بخش پایانی کتاب به فهرست منابع اختصاص یافته که از حجم و تعداد بسیار قابل توجهی برخوردارند. این منابع که تماماً درباره تاریخ اسلام در دوران مورد بحث بوده و طیف گسترده‌ای از منابع دست اول به زبان اصلی یا تصحیح یا ترجمه و بازنویسی شده به زبان‌های دیگر، تالیفات و تحقیقات به زبان‌های مختلف و مقاله‌های تالیفی و تحقیقی و ترجمه را شامل می‌شوند در دو بخش ۱- منابع به زبان فارسی و عربی، ۲- منابع به زبان‌های اروپایی و دیگر زبان‌ها تقسیم‌بندی شده‌اند

بررسی دوران پس از شاه تهماسب اول تا به تخت نشستن شاه‌عباس اول، و تحولاتی که در این فاصله، به ویژه از نظر ساختار قدرت و منازعات داخلی دولت صفوی روی داد، موضوع بخش دوم از فصل سوم و شامل این مطالب است: فروپاشی تشکیلات قزلباش، شاه‌اسماعیل دوم - بازگشت به تسنن، در اوج به قدرت رسیده شاه محمد خدابنده در اوج اغتشاش، اوضاع شرق و غرب مملکت، اعلام پادشاهی شاهزاده عباس در هرات، قتل میرزا سلمان جابری وزیر ایرانی به وسیله اسرای ترکمن، قتل ولیعهد حمزه میرزا.

در فصل چهارم به دوره شاه‌عباس اول، به عنوان عصری نوین که به تثبیت اوضاع انجامید توجه شده است. مباحث این فصل به قرار زیر است: کودتا در قزوین و به قدرت نشستن شاهزاده عباس میرزا، غلبه شاه‌عباس اول بر تمایلات قبیله‌ای قزلباش، اصلاحات نظامی، تقویت قدرت مرکزی، انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت جدید دولت صفوی، ویژگی‌های شخصیتی شاه‌عباس، نحوه پرورش شاهزادگان متأخر صفوی.

فصل پنجم به پی‌گیری روند تحولات دولت صفوی در عصر جانشینان شاه‌عباس اول اختصاص دارد. مطالب زیر، مباحث این فصل را تشکیل می‌دهند: شاه صفی، درستکار و مستبد، تاثیرات تغییر پادشاه در مرزها، شاه عباس دوم: تثبیت دولت تحت شرایط جدید، ابزار قدرت پادشاه، ساروتقی وزیر اعظم و جانشینانش، تقویت قدرت پادشاه از طریق بسط مرکزیت، دفاتر تجاری اروپائیان، روابط سیاست خارجی در عهد شاه‌عباس دوم، یک رویداد کوچک بین هند و ایران، درگذشت زودهنگام شاه‌عباس دوم و ناکامی امیدهای بزرگ.

بخش دوم از ششمین فصل کتاب به بحث در مورد سال‌های پایانی و آخرین پادشاهان صفوی و روند زوال و فروپاشی دولت صفوی را با مطالب زیر می‌پردازد: شاه‌صفی دوم معروف به شاه سلیمان اول، عدم تناسب بین ظاهر و واقعیت، تاجگذاری نامیوم شاه سلطان حسین، پیروزی دیر هنگام قلهای شیعه، بروز فاجعه در افغانستان، تصمیمات نادرست در اوضاع آشفته، شکست به دلیل ناشایستگی سیاسی، تسلیم نشان سلطنت توسط شاه سلطان حسین به محمود افغان، تلاش در راه احیای سلطنت صفوی.

مباحث اصلی کتاب با تحلیل و جمع‌بندی و طرح محورهای اساسی مربوط به منشأ و چگونگی گسترش طریقت صفوی، نقش قبایل ترکمان و تاثیر مذهب تشیع در شکل‌گیری دولت صفوی در فصل هفتم بخش دوم به پایان می‌رسد.

بخش پایانی کتاب به فهرست منابع اختصاص یافته که از حجم و تعداد بسیار قابل توجهی برخوردارند. این منابع که تماماً درباره تاریخ اسلام در دوران مورد بحث بوده و طیف گسترده‌ای از منابع دست اول به زبان اصلی یا تصحیح یا ترجمه و بازنویسی شده به زبان‌های دیگر، تالیفات و تحقیقات به زبان‌های مختلف و مقاله‌های تالیفی و تحقیقی و ترجمه را شامل می‌شوند در دو بخش

۱- منابع به زبان فارسی و عربی، ۲- منابع به زبان‌های اروپایی و دیگر زبان‌ها تقسیم‌بندی شده‌اند.

مدخل هر منبع به نام پدیدآورنده بوده و به ترتیب الفبای فارسی و انگلیسی نام خانوادگی صاحب آثار تنظیم یافته است بنابراین اگرچه تقریباً بسیاری از مداخل مبین یک عنوان کتاب یا مقاله هستند اما ذیل بسیاری از اسامی، تعداد قابل توجهی مأخذ قابل مشاهده است. چنانکه آثار مؤلفان و محققانی چون حافظ ابرو، خنجی، نصرالله فلسفی، کسروی، نوایی، ژان اوین، بارتولد، فیشر، فراگنر، گلاسن، هیتس، کوپرولو، لمبتون، لاکهارت، مزای، مکنزی، مینورسکی، پری، پطروشفسکی، رایبینو، رویمر، سیوری، اشپولر، فاروق سومر، تاپر، تاور و طوغان در این میان بیش از دیگران به چشم می‌آید.

همانگونه که از تعداد مداخل بخش فهرست منابع برمی‌آید، میزان منابع زبان‌های اروپایی مؤلف بسیار بیشتر از متون فارسی و عربی است. یک بررسی اولیه نشان می‌دهد که در بخش منابع فارسی و عربی از ۱۴۹ نویسنده، مورخ و محقق نام برده شده، درحالی که در بخش منابع به زبان‌های اروپایی و دیگر فهرست تالیفات (شامل تصحیحات، ترجمه‌های متون و مقالات) ۷۱۱ پژوهشگر و نویسنده معرفی شده است. بنابراین می‌توان گفت بخش پایانی کتاب از جهت آگاهی بر بخش عمده تحقیقات مستشرقان درباره «تاریخ میانه ایران از فروپاشی ایلخانان تا پایان صفویان» بسیار مفید است. کتاب با نمایه اسامی اعلام جغرافیایی و نمایه نویسندگان و منابع به پایان می‌رسد هرچند تذکر یک نکته خالی از فایده نیست و آن اینکه علی‌رغم اهمیت کتاب و ارزش تحقیقات رویمر و با توجه به اینکه وی در سال‌های اخیر از دنیا رفته، متأسفانه شرح حال و فهرستی از آثار این ایران‌شناس آلمانی در کتاب مشاهده نمی‌شود.

اما در مورد ارزش‌های علمی و تحقیقی اثر باید گفت تاکنون به ندرت دیده شده که دوره تاریخی مورد بحث این کتاب (پس از ایلخانی تا پایان صفوی) به مثابه یک کل واحد و به شکل کلی آن مورد مذاقه قرار گیرد؛ کاری که در این کتاب صورت گرفته است. نویسنده با بررسی تحولات این دوره که با بازکاوی نکات جزئی بسیار و تحلیل حوادث کوچک اما تاثیرگذار فراوانی همراه است، تلاش کرده یک «روند» را پی بگیرد، فرآیند تغییر، تکامل و جابجایی چند عنصر مهم، از جمله طریقت، قدرت‌های ترکمان، سلطنت و حکومت، و از همه مهم‌تر مذهب تشیع اثنی‌عشری. از این رو، کتاب حاضر علاوه بر اینکه گزارش مفصل، جامع، کامل و متقنی از سیر حوادث دوره زمانی یاد شده به دست می‌دهد، همچنین از این جهت که ترجمه آن بر شمار قلیل تحقیقات و تالیفات تاریخی درباره دوران یاد شده با دیدگاه و چشم‌اندازی متفاوت می‌افزاید، و بالاخره به جهت ارائه فهرست جامع و مفصلی به ویژه از تحقیقات مستشرقان درباره موضوع و دوران موردنظر، اثری فراگیر و ارزشمند است.